

«هو الحکیم»

از کجا بفہمیم مکاشفہی ما  
رحمانی است؟!

سخنران:

دکتر باقرپور کاشانی



اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوَلِيِّكَ الْفَلَاحَ

## کشف یک امر شخصیه!

حالا شما مثلاً می‌گی من کشف داشتم؛ خب می‌گم آقا! کشف شما کشف صوری بوده؟ کشف معنوی بوده؟ کشف متعلق به حوادث دنیا بوده؟ نسبت به حوادث دنیا نبوده؟ کشف مراتبی رو در ارتباط با مثال مطلق بوده؟ اتصال به اعیان ثابتۀ بوده؟ چنین بوده؛ در مورد خودته! من اصلاً نمی‌تونم، منی که کشف برام صورت نگرفته، اصلاً هیچ کاری ندارم به شما! هیچ! این یک مطلب.

برگردیم نسبت به خود من که کشف داشتم، آیا منی که کشف داشتم، عصمت برای من اتفاق افتاده؟ اشتباه برای من راه نداره؟ از کجا معلوم که من واقعاً به اعیان ثابتۀ که رسیدم، توهم این رو نداشتم که به اعیان ثابتۀ رسیدم؟ کجا می‌تونم این برای من محرز بشه که من واقعاً به اون علم ناب رسیدم؟ به صور معقوله فی ذات الله رسیدم؟

فی علم الله رسیدم؟

از کجا به چنین چیزی می‌تونم یقین پیدا بکنم؟ منی که  
غیر معصوم هستم! چه جوری برای من مسجل می‌شه که  
این مراتب رو دارم سیر می‌کنم و مرتبه به مرتبه می‌رم

بالا؟

این یک بحثیه که واقعاً در معرفت‌شناسی، ما خودمون  
برای این معرفت کشفی خودمون هم دلیل نمی‌تونیم  
بیاریم! حتی مایی که غیر معصومیم! ببینید در مورد  
معصوم، اصلاً این مراتب سیر می‌شه؛ معصوم تمام  
کوچه‌باغ‌های سلوک رو بلده به تعبیری! می‌دونه الان به  
کجا رسید، اشتباه توش راه نداره. اما حقیقتی که در ذاتش  
عصمت نخوابیده، از کجا معلوم این کوچه‌ها رو من درست

رفتم! از کجا معلوم!؟

بعد من می‌خواهم بر اساس این‌ها  
چی‌کار بکنم؟ خداشناسیم رو در نظر بگیرم.  
مثلاً می‌گه در مورد احکام باشه، می‌گه نمازت رو نخون!  
خیلی خب! کما این‌که بعضی از آقایون می‌گه که  
برای ما، در مراتبی رسیدیم که اون مرتبه‌ای که فانی  
در او شدیم، دیگه نماز هم نمی‌خوندن! مریدها طاقت  
نیاوردند، مجبور شدیم بعد از یک مدتی نماز هم بخونیم!